«شرق» پیشنهاد اهالی سینما برای گذار از وضعیت بحرانی سینما را بررسی می‌کند

# اکران فیلم‌های خارجی یا رفع توقیف فیلم‌های ایرانی؟

عکس: عبید فرحی، آنا

**شرق:** اکران فیلم‌های خارجی یا نمایش فیلم‌های توقیفی ایرانی از جمله پیشنهادهایی است که این روزها از زبان برخی از اهالی سینما مبنی بر گذار از وضعیت بحرانی سینماها پیشنهاد می‌شود. «فکر می‌کنم در شرایط فعلی هر راهکاری که بتواند به سینما جانی دوباره دهد باید دنبال شود، که یکی از این راه‌ها می‌تواند اکران چند فیلم خارجی خوب باشد. در واقع باید به دنبال روش‌ها و فکرهای نو باشیم و به دنبال تعامل برای رفع مشکل فیلم‌هایی باشیم که مشکل اکران داشتند تا برای مخاطبان جذابیت ایجاد کنیم». این بخشی از صحبت‌های علی سرتیپی از پخش‌کنندگان و تهیه‌کنندگان سینمای ایرانی است که به عنوان راه‌حل ارائه داده است. او در بخشی از صحبت‌هایش با خبرگزاری مهر با اشاره به اهمیت‌پیداکردن راهکار مناسب برای خروج سینما از بحران فعلی گفت: «هرچند بارها اعلام شده که برنامه‌های حمایتی مختلفی برای اکران در سینماها در دستور کار مدیران دولتی قرار گرفته اما تا امروز اتفاقی در این زمینه رخ نداده و نمی‌توان گفت اقدام جدی در این زمینه صورت گرفته است. مسئله این است که در شرایط فعلی سینمای ایران به اتفاقات بزرگی نیاز دارد که این اتفاقات که اکثرا شکل و شمایل حمایتی دارند، باید هرچه‌سریع‌تر رخ دهد». رئیس انجمن صنفی پخش‌کنندگان سینمای ایران توضیح داد: «نباید فراموش کرد که توسعه زیرساخت‌های مختلف سینمایی چه در حوزه آی‌تی، چه در حوزه افزایش سالن‌های سینمایی، بدون اکران فیلم‌های سینمایی هیچ معنایی ندارد و هیچ پیشرفتی در زمینه نجات سینما صورت نمی‌گیرد».

او بیان کرد: «معتقدم دولت باید به سالن‌های سینما، فیلم‌های سینمایی و پخش‌کنندگان فیلم کمک جدی کند و نگاه و برنامه دقیقی را در این زمینه دنبال کند تا بتوان تعدادی از فیلم‌هایی را که احتمال فروش آنها بیشتر است، در سینماها اکران کرد». سابقه اکران فیلم‌های خارجی در ایران به پیش از انقلاب اسلامی می‌رسد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از فیلم‌های ایرانی در دستور کار دولت قرار گرفت و واردکردن فیلم‌های خارجی توسط بخش خصوصی ممنوع شد و همه‌چیز در اختیار بنیاد سینمایی فارابی قرار گرفت و اندک فیلم‌هایی از سینمای جهان برای نمایش در سینماهای داخل در نظر گرفته شد. فیلم‌هایی که اکثر آنها فیلم‌های تجاری محسوب می‌شدند و در عین حال از خطوط قرمز سینمای ایران هم عبور نمی‌کردند. به مرور نمایش فیلم‌های خارجی در سینمای ایران عمدتا در محافل هنری و «سینماتک»ها ادامه پیدا کرده است. فیلم‌هایی که دی‌وی‌دی آنها در دسترس مردم است و نمی‌توان انتظار استقبال چندانی از آنها داشت.

**شرایط نمایش فیلم خارجی در سینمای ایران با گذشته متفاوت است**

رضا سعیدی‌پور، کارشناس سینما و سینمادار، با اشاره به اینکه مدتی قبل فیلمی هندی در سینماهای ایران به نمایش گذاشته شد، به «شرق» گفت: «نمایش یک فیلم هندی که همکاران من در سینما زحمت زیادی برای نمایش آن کشیدند، از آخرین تلاش‌ها برای نمایش فیلمی غیرایرانی در سینمای ایران بود. فیلمی که با وجود دوبله فارسی و سانسور اندک و رضایت نسبی مخاطبانی که برای دیدن فیلم به سینما می‌آمدند، نتوانست فروش خوبی در گیشه داشته باشد. باید پذیرفت شرایط نمایش فیلم خارجی در سینمای ایران با گذشته متفاوت است. مخاطبان سینما موافق دیدن فیلم سانسورشده در سینما نیستند، در حالی که سال‌هاست امکان تماشای فیلم‌های روز دنیا برای مردم فراهم شده است، نمی‌توان انتظار داشت که سینماها با فیلم خارجی سانسورشده مردم را به سینمارفتن تشویق کنند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به گزینه‌هایی برای گذر از بحران مخاطب سینماهای ایران اشاره کرد و گفت: «مدتی است که بحث بر سر اکران فیلم‌های ایرانی است که می‌تواند برای علاقه‌مندان سینما کنجکاوی‌برانگیز باشد و به نظر می‌رسد با نمایش این فیلم‌ها می‌توان بار دیگر توجه علاقه‌مندان سینما را جلب کرد. فیلم‌هایی که برخی از آنها مدت‌هاست مهر توقیف خورده‌اند و بسیاری دوست دارند این فیلم‌ها را در سینماها تماشا کنند».

سعیدی‌پور افزود: «با این حال تصور می‌کنم حتی اگر عده‌ای موافق نمایش فیلم خارجی در سینمای ایران باشند، باید آنها را در کنار فیلم‌های ایرانی دید. به بیان دیگر نمایش فیلم‌های خارجی در کنار اکران فیلم‌های ایرانی به چرخه اقتصادی سینمای ما کمک خواهد کرد و نمی‌توان این دو را جدا از هم دید تا به مخاطب هم حق انتخاب داده شود».

او به بحران سینما در سال آینده اشاره کرد و گفت: «از اکران‌های امسال سینما که بگذریم، نگران سینماها در سال آینده هستم. با توجه به تولیدات امسال سینمای ایران که به گمانم نمی‌توان فیلم‌های پرمخاطبی در میان آنها دید، نمی‌توانم با خوش‌بینی به گیشه سال آینده سینما نگاه کنم. به‌هرحال مردم دوست دارند فیلم‌هایی ببینند که مدت‌ها درباره آن صحبت شده و به نوعی کنجکاوی‌برانگیز است و دست‌کم در تولیدات امسال چنین فیلمی نمی‌بینم. متأسفانه در حال حاضر فیلم‌هایی که در اکران هستند، مدت‌زمان زیادی از نمایش آنها گذشته و دیگر برای علاقه‌مندان سینما جذابیت ندارند و باید فکر جدی برای این شرایط کرد. در نظر بگیریم اگر چراغ سالن‌های سینمای ما خاموش شود، روشن‌کردن دوباره آن به این راحتی نیست. با این چشم‌انداز که نوروز هم مصادف با ماه رمضان است و نمی‌توان انتظار داشت استقبال زیادی از فیلم‌های روی پرده شود و به همین ترتیب شرایط اکران سینماها بعد از نوروز هم پیچیده خواهد شد».

**بسیاری از فیلم‌هایی که در حال حاضر می‌توانند به گیشه سینما کمک کنند، توقیف هستند**

مدتی قبل سیدجمال ساداتیان، از تهیه‌کنندگان باسابقه سینمای ایران هم با اشاره به فروش فیلم‌های روی پرده، به «شرق» گفت: «اگر فروش شش ماه اول سال ۱۴۰۱ را معیار قرار دهیم و با همین متر، فروش شش ماه نخست سال ۹۸ و قبل از همه‌گیری کرونا را ارزیابی کنیم، می‌بینیم که در سال ۹۸ در شش ماه نخست، ۲۷ میلیون قطعه بلیت فروخته شد و در شش ماه سال جاری ۱۴ میلیون بلیت فروخته شده است و همین فروش نشان می‌دهد در شرایط معمول هم فروش سینما چشمگیر نبوده و قطعا این روزها سینما به‌هیچ‌وجه در شرایط خوبی به لحاظ درآمدزایی قرار ندارد».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «چیدمان فیلم‌ها، مدیریت فرهنگی کشور و... باعث شده چنین شرایطی را تجربه کنیم، اما با تحلیل شش ماه نخست سال می‌توان چشم‌اندازی هم به شرایط اکران تا انتهای سال داشت. پیش‌بینی من این است که با توجه به اکران فیلم‌های قابل اعتنا در نیمه نخست سال، فیلم‌هایی که رغبتی برای حضور مردم در سالن‌های سینما فراهم کنند، وجود ندارد؛ مگر فیلم‌هایی که به دلیل نیمه‌کاره‌ماندن مراحل تولید، موفق به حضور در جشنواره نشدند و مردم برای نخستین بار این فیلم‌ها را در سالن می‌بینند. البته در کنار همه این موارد، باید به این نکته هم اشاره کنم که با ایجاد جریانات اخیر در کشور و حمایت برخی از هنرمندان، شاید برخی از صاحبان آثار تمایلی به اکران آثارشان در سینماها نداشته باشند و همین موضوع عامل دیگری است که تعداد گزینه‌هایی که می‌تواند به صف اکران اضافه شود و مردم را تشویق به دیدن فیلم در سالن‌های سینما کند، کمتر می‌شود».

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «چهارشنبه‌سوری» درباره نمایش فیلم‌هایی که تا به امروز موفقیتی در جشنواره‌های جهانی کسب کرده‌اند نیز گفت: «طبیعی است فیلم‌هایی که از ابتدای سال موفق به حضور در جشنواره‌های معتبر جهانی شده‌اند، از محتوا و کیفیت قابل قبولی برخوردار هستند و به یقین شاخصه‌های مهمی دارند و نفس حضورشان در این جشنواره‌ها فضای تبلیغاتی خوبی برای آنها ایجاد کرده است. اکران این فیلم‌ها هم می‌تواند تا حد زیادی باعث جلب توجه مخاطب به سالن‌های سینما شود».

ساداتیان در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره توجه مدیران فرهنگی به موضوع اکران گفت: «به نظرم وقتی برخی دولت‌ها با شعارهایی خاص کارشان را آغاز می‌کنند، می‌توان به نتایجی رسید. مثل زمان مدیریت محمدحسین صفارهرندی در وزارت ارشاد که شعارهایی مبنی بر تغییر سینمای منحرفی که ایجاد شده، داده شد و تصمیمی برای تغییر مسیر سینما در پیش گرفته شد. چنین تصمیم‌هایی برای اهالی سینما روشن است. به نظر می‌رسد در این دوره هم شاهد چنین مواضعی از سوی مدیران فرهنگی هستیم. شعارهایی از این دست که باید به فیلم‌های ارزشی فرصت بیشتری داد و از آنها حمایت کرد، در این دولت زیاد شنیده می‌شود. باید به این نکته توجه کرد که باید به مخاطب سینما حق انتخاب داد. من به‌هیچ‌وجه فکر نمی‌کنم که نباید چنین فیلم‌هایی ساخته شود، اما سهم ساخت فیلم‌هایی از این دست می‌تواند بخشی از فضای سینما را در بر گیرد. برای مثال فیلم «موقعیت مهدی» که به نظرم فیلم خوش‌ساختی است و من از دیدنش لذت بردم، با وجود حمایت و تبلیغات بسیاری که در تلویزیون داشت، فروش آن‌چنانی در گیشه کسب نکرد و می‌توان نتیجه گرفت این فیلم در جلب توجه مخاطب تا حدی موفق بود، اما باید سلیقه تمامی مردم را هم لحاظ کرد و تنوع را در ساخت فیلم‌ها در نظر گرفت».

تهیه‌کننده فیلم «برف روی کاج‌ها» ادامه داد: «برخی از تصمیمات مدیران فرهنگی می‌تواند معادلات و ظرفیت‌های اکران را به هم بزند و به همین دلیل شاهد فروش قابل اعتنایی در گیشه نیستیم. بیراه نیست اگر بگوییم بسیاری از فیلم‌هایی که در حال حاضر می‌توانند به گیشه سینما کمک کنند، توقیف هستند و با مشکلات بسیاری تا رسیدن به اکران مواجه خواهند بود؛ بنابراین برای تصمیم‌گیری درباره فروش بهتر فیلم در گیشه، باید برخی مشکلات از این قبیل را حل کرد».

## اخبار برگزیده

رئیس‌جمهور ترکیه از راه‌اندازی یک شبکه تلویزیونی به زبان فارسی خبر داد

### تی‌آرتی در مسیر ام‌بی‌سی؟

رجب طیب اردوغان در همایشی به میزبانی تلویزیون دولتی ترکیه از راه‌اندازی شبکه‌های دیجیتال به زبان‌های فارسی و اسپانیولی خبر داد. اردوغان گفت: «کشور ما مدتی تحت تأثیر سریال‌های خارجی بود، اما امروز در کشورمان برنامه‌ها، فیلم‌ها، مستند و سریال‌ها در سطح جهانی تولید می‌شود. ترکیه اکنون دومین صادرکننده سریال در دنیاست».

احتمالا این شبکه در سال ۲۰۲۳ راه‌اندازی خواهد شد.

### «مثلث غم» برنده بزرگ جوایز فیلم اروپا شد

**مهر:** فیلم طنز «مثلث غم» ساخته روبن اوستلوند در سی‌وپنجمین دوره جوایز فیلم اروپا جوایز اصلی را درو کرد و جوایز بهترین فیلم، کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی و نیز جایزه بهترین بازیگر مرد را برای زلاتکو بوریچ از آن خود کرد. اوستلوند جایزه خود را به بازیگر فقید فیلم چارلی دین تقدیم کرد که تابستان امسال در ۳۲ سالگی از دنیا رفت.

فیلم او موفق شد تا با پشت سر گذاشتن «آلکاراس»، «نزدیک»، «کورساژ» و «عنکبوت مقدس» جایزه بهترین فیلم اروپایی را از آن خود کند. دیگر برنده دیشب ویکی کریپس برای بازی در نقش امپراتریس الیزابت اتریش در فیلم «کورساژ» بود که جایزه بهترین بازیگر زن اروپایی را از آن خود کرد.

«ماریوپولیس۲» هم جایزه مستند را برد و دختر کارگردان فیلم مانتاس کوار اویسیوس که در اوکراین کشته شد، جایزه را به جای پدرش دریافت کرد. وی برای رساندن دارو به مردم جانش را از دست داد.

اما وقتی جایزه بهترین کمدی به «رئیس خوب» با بازی خاویر باردم اهدا شد، لحظه متفاوتی رقم خورد، زیرا تهیه‌کننده روی صحنه گفت: از شما برای این جایزه متشکرم اما «رئیس خوب» یک درام است نه کمدی. کارگردان فیلم فرناندو لئون دآرانوآ هم این نکته را تأیید کرد و گفت: شما احتمالا جایزه کمدی اروپایی را به جدی‌ترین افراد حاضر در این مراسم داده‌اید.

جوایز افتخاری هم به کارگردان مارکو بلوکیو با جایزه داستان‌سرایی نوآورانه اروپایی، الیا سلیمان با جایزه اروپایی در سینمای جهان، و مارگارت فون تروتا، با جایزه یک عمر دستاورد اروپایی اهدا شد.

این مراسم در سالن کنسرت هارپا در ریکیاویک پایتخت ایسلند برگزار شد و برندگان با رأی‌گیری چهارهزارو ۴۰۰ نفر از اعضای آکادمی فیلم اروپا انتخاب شدند. از آنجا که این جوایز در دو مرحله اهدا می‌شود هفته پیش برندگان بخش اول معرفی شده بودند و «بلفاست»، «دختر آرام»، «در جبهه غرب خبری نیست» و «EO» دیگر جوایز را دریافت کرده بودند.

«بلفاست» ساخته کنت برانا، فیلمی سیاه و سفید، تلخ و احساساتی از دوران کودکی کنت برانا در ایرلند شمالی برنده دو جایزه شد که شامل بهترین تولید برای جیم کلی و بهترین طراحی لباس برای شارلوت والتر بود.

کیت مک‌کالو جایزه بهترین فیلم‌برداری اروپایی را برای «دختر آرام» که در عین حال نماینده ایرلند در اسکار بین‌المللی ۲۰۲۳ است به دست آورد. این فیلم درباره کودکی خجالتی و گوشه‌گیر است که در طول اقامتی تابستانی با اقوامش در روستاهای ایرلند، از پوسته خود بیرون می‌آید.

پاول مایکیتین جایزه بهترین آهنگ‌سازی اروپایی را برای موسیقی فیلم «EO» دریافت کرد که درباره سفریک الاغ در طول لهستان و ایتالیاست و نماینده لهستان در اسکار بین‌المللی امسال هم هست.یکی دیگر از امیدهای امسال اسکار بین‌المللی درام جنگی «در جبهه غرب خبری نیست» برنده بهترین گریم و آرایش مو برای هایکه مرکز و بهترین جلوه‌های ویژه برای گروه فرانک پتزولد، ویکتور مولر و مارکوس فرانک شد.

جایزه بهترین تدوین اروپایی هم به اوزجان واردار و ایتان ایپکر برای «روزهای سوزان» رسید که درامی ترکی درباره یک دادستان جوان ایدئالیست است که اولین پرونده قتل خود را پیش می‌برد.

«حفره» ساخته مایکل‌آنجلو فرامارتینو که درباره گروهی از کاوشگران غار ایتالیایی در دهه ۱۹۶۰ است، جایزه بهترین صدا را دریافت کرد.

# برنامه تالارهای سایه، قشقایی و کارگاه نمایش اعلام شد

هم‌زمان با پایان‌یافتن بخشی از عملیات بهسازی راهروهای منتهی به تالارهای سایه، چهارسو، قشقایی و کارگاه نمایش تئاتر شهر، دور تازه اجراهای این مجموعه از سر گرفته شد. «رستم و سهراب» عنوان یکی از تازه‌ترین نمایش‌های تئاتر شهر است که از روز یکشنبه بیستم آذر به نویسندگی داریوش نصیری و مرتضی وکیلیان، کارگردانی رضا حسن‌خانی و بازی آسو خسروی ساعت ۱۹:۳۰ به مدت ۴۵ دقیقه و قیمت بلیت ۵۰ هزار تومان اجرای خود را در کارگاه نمایش آغاز می‌کند. سعید کلهر دستیار کارگردان، محمدجواد عسگری (سه‌تار)، علی فتحی (سای درام و نی)، حسن خسروی (ترومپت)، نیکو خلیفه (دف) اعضای گروه موسیقی، پارسا عباسی طراح پوستر، رضا حسن‌خانی طراح نور، آیدا تفرشی مدیر صحنه، حانیه کندکلو منشی صحنه، سیدرضا حسینی عکاس، مریم پارسا انتخاب لباس، سپیده آسیابانی گریم، آیدا تفرشی بروشور، محمد ساعتچی مدیر تدارکات، محمد ساعتچی و فاطمه قاسم‌زاده دستیاران صحنه گروه اجرائی این نمایش را تشکیل می‌دهند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: به تصویر کشیده‌شدن مرگ سهراب و اما سهراب، جوان بود، جوان... بپیچید از آن پس یکی آه کرد/ ز نیک و بد اندیشه کوتاه کرد/ بدو گفت: کین بر من از من رسید/ زمانه به دست تو دادم کلید.

در تالار سایه نمایش «شراره» به نویسندگی و کارگردانی محمدمهدی خاتمی و بازی نسرین نکیسا، الهه پژوهی، تکتم اخجوانی، امینا خاتمی، مرجان علوی، مجتبی زادفر، پرویز گوهری‌راد، امیراحسان امیرپور، ویدا منصوری، مرتضی برزگر زادگان، محمدمهدی خاتمی، غلامرضا عارف‌نژاد و شهرام مسعودی ساعت ۱۹ با مدت‌زمان ۷۰ دقیقه و قیمت بلیت ۷۰ هزار تومان روی صحنه می‌رود. محمدمهدی خاتمی درباره این نمایش نوشته است: «این اثر نمایشی روایتگر داستان زنی است که در روزهای آغازین جنگ نامزد خود را از دست می‌دهد و در طول سالیان سال با خاطرات او زندگی می‌کند. جنگ و تبعات آن به مانند بسیاری از افراد دیگر همچنان برای این شخصیت وجود دارد و بر زندگی او سایه انداخته است».

نمایش «فقط یک دقیقه طول می‌کشه» به نویسندگی مسعود سمیعی، کارگردانی سیدعلی تدین‌صدوقی و بازی اصغر صابری، مروارید افسری، لادن بنکدار، علیرضا نادی و افشین رضایی ساعت ۱۸:۳۰ به مدت زمان ۵۰ دقیقه و قیمت بلیت ۷۰ هزار تومان در تالار قشقایی تئاتر شهر دور تازه اجراهای خود را از سر خواهد گرفت.

در خلاصه داستان اثر آمده است: نمایش درباره زن و شوهری است که برای رسیدن به ثروت، قدرت و تثبیت موقعیت خود علیه یکدیگر دسیسه‌چینی می‌کنند. ظرافت و زیرکی و درایت زنانه با درامی تراژیک در برابر قدرت و نیرنگ قرار گرفته و خودنمایی می‌کند. برنامه اجرائی تالارهای اصلی و چهارسو و مجموعه تئاتر شهر نیز طی روزهای آینده اعلام خواهد شد.

# معرفی کتاب
## «فوتبال، تلویزیون، جهانی‌سازی؛ یک بازی دونیمه‌ای»

**میثم ملکشاه**

اثر کارنل سندوس را می‌توان یکی از کامل‌ترین و بهترین کارها در حوزه جامعه‌شناسی ورزش دانست. سندوس توانسته به‌خوبی ابعاد فوتبال به‌عنوان یک پدیده مدرن را تبیین کرده و تغییرات آن در دوران پساصنعتی را به تصویر بکشد. او به صورت دقیق و کامل پیچیدگی اجتماعی و ویژگی شبکه‌ای‌بودن پدیده‌ها در دنیای امروز را در تحلیل جامعه‌شناختی از فوتبال تصویرسازی می‌کند. در کنار جامعیت به لحاظ بررسی ابعاد، نکته مهم در کار سندوس، مسئله روش‌شناسی آن و استفاده توأمان از رویکردهای تبیینی و تفسیری است. او ابتدا به بررسی فوتبال بر مبنای رویکرد تبیینی پرداخته و از مفاهیم و نگرش بوردیو برای تحلیل این پدیده بهره می‌گیرد. به‌این‌ترتیب او نشان می‌دهد که چگونه می‌توان بر مبنای طبقات اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی میان هواداران باشگاه‌های مختلف در فوتبال آلمان (بوندسلیگا) ایجاد تمایز کرد. او دراین‌باره و به صورت مشخص به بهره‌مندی از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی اشاره داشته و می‌نویسد: «باشگاه فرایبورگ که متعلق به یک شهر دانشگاهی است، نزد عموم تحصیل‌کرده‌های شهر بسیار محبوب است؛ اما تیمی مثل افسی کلن، غالبا هوادارانی از میان مردم کم‌سواد دارد و اقشار تحصیل‌کرده این شهر خیلی هوادار این تیم نیستند». درعین‌حال او تفسیری کلان و بر مبنای روابط ساختاری و بهره‌مندی از سرمایه‌های مختلف برای توصیف و تحلیل فوتبال و ارتباط آن با افراد و دیگر پدیده‌های اجتماعی را کافی و دقیق ندانسته و می‌کوشد تا آنچه را مصرف فوتبال از سوی هواداران می‌نامد، به‌عنوان وجه دیگر جامعه‌شناسی این ورزش معرفی کند. به صورت مشخص مصرف در نزد سندوس جنبه‌های پدیدارشناسانه پیدا می‌کند.

**پدیدارشناسی فوتبال؛ هرکسی از ظن خود شد یار من**

سندوس می‌کوشد تا از طریق بررسی تفسیر افراد و هواداران فوتبال از این پدیده و به صورت مشخص باشگاه‌های مورد علاقه‌شان، به پدیدارشناسی فوتبال بپردازد. کار او نشان می‌دهد که هواداران فوتبال با علاقه‌مندان و هواداران دیگر حوزه‌ها مانند هنر متفاوت‌اند. او معتقد است هواداری فوتبال و مصرف این پدیده از سوی افراد «به هواداران اجازه دخالت در فرایندی را می‌دهد که هدف آن برقراری ارتباط با مشخصه‌های بنیادین فرد نظیر طبقه، جنسیت، ارزش‌ها و نظام اعتقادی است. ازاین‌رو هواداری فوتبال، فضایی را خلق می‌کند که هواداران خود را بازتاب می‌دهند». سندوس با استناد به مک لوهان می‌گوید که هواداری فوتبال همان بسط خویشتن است. از این منظر هواداری در این عرصه با دیگر حوزه‌ها متفاوت است؛ زیرا هوادار فوتبال جزء یا بخشی جدا از متن فوتبال نیست؛ بلکه بخشی از متن این عرصه محسوب می‌شود. او نشان می‌دهد که اولا هواداران یک باشگاه خاص می‌توانند تفسیری کاملا متفاوت و حتی متضاد از هواداری خود داشته باشند و ثانیا بیش از آنکه به باشگاه و بازیکنان توجه کنند، تفسیر خود از فوتبال و هواداری را به دیگر مصرف‌کنندگان یعنی دیگر هواداران معطوف کنند.

**اشاعه سیاسی و فرهنگی فوتبال؛ فوتبال به مثابه امری جهانی**

فوتبال درعین‌حال که وجوه و ابعاد محلی و منطقه‌ای می‌یابد، ابعادی ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی یافته است. برای اثبات این منظور، کتاب به موضوع هواداران یک باشگاه در خارج از مرزهای شهری، ایالتی، ملی و حتی قاره‌ای اشاره دارد.

رابطه فوتبال و حامیان مالی مسئله دیگر مورد تاکید سندوس است. فوتبال به‌عنوان یک پدیده جهانی پیوندی جدی با عرصه صنعت و اقتصاد دارد. او می‌کوشد نشان دهد که در یک فرایند پیچیده ارتباطی میان سیاست، اقتصاد و فوتبال چگونه شبکه‌ای چندوجهی در اطراف این پدیده شکل گرفته و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی و متعلق به فضای عمومی در کنار منافع اقتصادی، فرهنگ و نظامی معنایی خاصی در اطراف پدیده فوتبال پدید می‌آورد که البته با وجود وجوه مشترک در انواع مختلف آن، ویژگی‌های منحصربه‌فرد و ویژه در جوامع گوناگون می‌یابد. این شبکه‌ای‌شدن و درهم‌تنیدگی تا اندازه زیادی تنها بر روی کاغذ قابل تمایز است و در جهان اجتماعی و نظام معنایی پدیدارشده در اطراف فوتبال، به‌مثابه بخشی از هویت این پدیده محسوب می‌شود. سندوس در اینجا به یکی‌شدن برندهای تجاری و صنعتی با نمادها و لگوی باشگاه اشاره می‌کند، به این معنی که برند اقتصادی تبدیل به بازتاب باشگاه نزد هواداران می‌شود.

**رسانه و فوتبال؛ از تکمیل و پیچیدگی شبکه تا تولد پدیده‌ای جدید**

کاستلز به‌درستی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ساختار قدرت و شبکه‌ها را دگرگون کرده و سطح دیگری از امکان خلق معنا و ارتباط را فراهم می‌آورد و این امر درباره فوتبال نیز صدق می‌کند. گسترش رسانه‌ها و به صورت مشخص پخش وسیع رقابت‌های ملی، بین‌المللی و جهانی نوعی از تبادل و گستره ارتباطات را فراهم آورده که می‌تواند تا حد زیادی پیوند فوتبال با حوزه اقتصادی، فضای عمومی، امر سیاسی و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را توسعه دهد و به‌این‌ترتیب آن را تبدیل به پدیده‌ای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کند.

باوجوداین ارتباط فوتبال و رسانه و به صورت مشخص تلویزیون در سطحی متفاوت قابل تحلیل است. پخش رقابت‌های فوتبال از رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون سبب شکل‌گیری پدیده‌ای جدید به نام فوتبال تلویزیونی شده که سندوس به‌درستی و در قیاس با آنچه در استادیوم و محل برگزاری بازی‌های فوتبال می‌گذرد، از آن با عنوان فراواقعیت یاد می‌کند. فوتبال تلویزیونی فراواقعیت است به‌این‌دلیل که مجموعه‌ای از تصاویر برای بیننده نمایش داده می‌شود که با آنچه مشاهده‌گر در دنیای واقعی و در کنار یک زمین فوتبال از بازی می‌بیند، کاملا متفاوت است. البته روی دیگر سکه این تفاوت از نبود امکان مشاهده برخی از واقعیات از صفحه تلویزیون حکایت دارد که تنها در جهان واقعی قابل مشاهده است. شاید بهترین شاهد بر این مدعا تماشای از نزدیک مسابقات فوتبال از سوی مربیان دیگر تیم‌های رقیب است؛ درحالی‌که ایشان به‌سادگی به این مسابقات به صورت زنده از رسانه‌ها دسترسی دارند. شیوع فوتبال تلویزیونی، سبب نمونه‌های متفاوتی از مصرف این پدیده از طرف هواداران شده است. عقلانی‌سازی و استانداردسازی پدیده فوتبال از طریق پخش تلویزیونی آن در کنار گم‌شدن ارجاعات جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی، آنچه بی‌مکانی و بی‌هویتی استادیوم‌ها و البته هواداران فوتبال نام‌گذاری می‌شود، همگی از ثمراتی است که سندوس برای فراواقعیت فوتبال تلویزیونی از آن یاد می‌کند. سندوس معتقد است تماشای فوتبال به صورت واقعی و از نزدیک «مظهر نوعی ارتباط است»؛ ارتباطی چندسویه میان بازیکنان با تماشاگران و هرکدام آنها با نیمکت و البته تماشاگران و هواداران با یکدیگر که در فوتبال تلویزیونی هیچ‌یک از اینها معنا ندارد. کتاب «فوتبال، تلویزیون، جهانی‌سازی؛ یک بازی دونیمه‌ای» اثر کارنل سندوس با ترجمه رضا شجیع و علی نامدار آزادگان در ۲۳۴ صفحه در نشر چشمه منتشر شده است. برای تهیه کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌برگ اقدام کنید.

برگ‌برگ

BARGGBARGG